

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات فرهنگی

عنوان:

بازنمایی «گفتمان حجاب»

در سبک معماری خانه‌های تاریخی دوره‌ی قاجاریه کاشان

استاد راهنما:

دکتر محسن نیازی

استاد مشاور:

دکتر نرگس نیکخواه قمصری

توسط:

مرضیه بهرامی برومند

مهر ۱۳۹۳

وَإِذْ كُفِرَ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

از اساتید گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محسن نیازی و خانم دکتر نرگس نیکخواه قمصری که راهنمایی و مشاوره اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه و جناب آقای دکتر فریبرز صدیقی ارفعی که داوری را تقبل نموده‌اند، نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.
از تمامی دوستان و عزیزانی که اینجانب را در انجام این پایان نامه یاری رساندند، سپاسگزارم.

تقدیم به:

آنها که مرا به آموختن توانا ساختند

چکیده:

خانه با توجه به سبک معماری آن به عنوان یک بافت فرهنگی اجتماعی نقش مهمی در ایجاد هویت جنسیتی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، خانه منطقه‌بندی فضایی متأثر از گفتمان فرهنگی اجتماعی غالب است که فرصت‌های متفاوتی را در اختیار زنان و مردان برای دیده شدن قرار می‌دهد و به نوبه خود تاثیر مهمی در بازتولید هویت جنسیتی ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی برساخته شدن هویت زنانه/ مردانه در زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی از خانه شکل گرفت. در انجام این کار، سبک درونگرا و ساختار خانه‌های تاریخی در کاشان و گفتمان حجاب در دوره‌ی قاجار مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، ایده‌های فوکو به بررسی این سبک معماری در نظریه روابط قدرت در گفتمان مسلط به کار گرفته شد. روش تحقیق در این پژوهش از میان روش‌های کیفی روش تحلیل گفتمان را کارآمد یافته و با الهام از ابزارهای تحلیلی دو روش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو، به بازنمایی ساختارهای سازنده گفتمان حجاب در سبک معماری خانه‌های تاریخی پرداخت. نتایج نشان داد که سبک معماری در خانه‌های تاریخی کاشان باعث نابرابری جنسیتی در زندگی خصوصی و سپس بازتولید آن در عرصه عمومی می‌گردد.

کلمات کلیدی:

۱. بازنمایی ۲. گفتمان حجاب ۳. سبک معماری ۴. خانه‌های تاریخی ۵. هویت جنسیتی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۲	(۱) بیان مسئله.....
۶	(۲) هدف تحقیق.....
۷	(۳) ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۷	(۴) تعریف مفاهیم.....
۸	- خانه.....
۱۱	- گفتمان.....
۱۶	(۵) روش‌شناسی.....
۱۶	(۶) مرور ادبیات.....
۲۱	فصل دوم: بنیادهای نظری و روش‌شناختی.....
۲۲	(۱) مقدمه.....
۲۲	(۲) تأملی بر مفهوم گفتمان.....
۳۲	(۳) فوکو: دیرینه‌شناسی و تبارشناسی.....
۳۳	- دیرینه‌شناسی.....
۳۹	- گذر دیرینه‌شناسی بر تبارشناسی.....
۴۳	(۱) رابطه‌ی قدرت و جنسیت.....
۴۵	(۲) روش‌شناسی و مدل تحلیلی پژوهش.....
۵۰	فصل سوم: ساختارهای سازنده‌ی گفتمان حجاب.....
۵۱	(۱) قواعد تولید گفتمان.....
۵۴	(۲) گفتمان حجاب در دوران پیشامدرن (قاجاریه).....
۸۶	فصل چهارم: معماری درونگرا و اندرونی زنانه.....
۸۷	(۱) سبک معماری درونگرای خانه‌های تاریخی کاشان.....
۹۱	(۲) اجزا و عناصر سازنده‌ی معماری درونگرای خانه‌های تاریخی کاشان.....
۹۶	(۳) ویژگی‌های خانه‌های تاریخی کاشان.....
۱۰۴	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات.....
۱۰۵	(۱) مقدمه.....
۱۰۵	(۲) خلاصه‌ی نظریه و روش تحقیق.....
۱۰۷	(۳) تحلیل یافته‌های تحقیق.....
۱۱۳	منابع.....

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۸۴	تصویر شماره ۱: پوشش چادر زنان قاجار در خارج از خانه
۸۵	تصویر شماره ۲: زنان در اندرونی
۸۵	تصویر شماره ۳: زنان قاجار در اندرونی
۹۰	تصویر شماره ۱: اصل سلسله مراتب در خانه بروجردی کاشان
۹۸	تصویر شماره ۲: راه ورودی خانه عباسیان
۹۹	تصویر شماره ۳: در ورودی و دو سکوی پیرنشین
۱۰۰	تصویر شماره ۴: زمستان نشین
۱۰۱	تصویر شماره ۵: شاه نشین
۱۰۲	تصویر شماره ۶: هشتی
۱۰۳	تصویر شماره ۷: حیاط مرکزی
۱۰۳	تصویر شماره ۸: معماری خانه درونگرا

مقدمه:

معنای خانه و روابط درون آن ایستا نبوده و همواره متأثر از تغییرات جامعه و در پیوند با پویایی‌های محیط، فرهنگ و حتی موقعیت زیست‌شناختی سکنه، شرایط اقلیمی، توپوگرافی و منطقه‌ای به عنوان متنی اجتماعی - فرهنگی بر ساخته می‌شود که روابط اجتماعی و خصوصی میان گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و مراتب آنها در حیات خانوادگی و اجتماعی هر دوره تاریخی را مشخص می‌کند. بر این اساس، جنسیتی و نیز رده‌بندی و سلسله خانه در تعاملی وثیق با مناسبات میان اعضای خانواده که در پرتو نظام کلان فرهنگی جامعه تعیین می‌یابد، هم ساخته شده و هم بواسطه نحوه خاص ناحیه‌بندی فضایی مکانی در ساخت روابط و هویت جنسیتی مشارکت می‌کند.

اما از آنجا که سبک معماری در هر دوره ساختار فیزیکی خانه را به شکلی متفاوت تاسیس نموده و امکانات متفاوتی برای مشارکت زن و مرد به عنوان ارکان اصلی مناسبات خانوادگی فراهم می‌نماید پژوهش حاضر با تمرکز بر ویژگی‌های خاص سبک معماری خانه‌های تاریخی کاشان در پی آنست تا چگونگی بازنمایی مناسبات جنسیتی و گفتمان حجاب مندرج در گفتمان اجتماعی - فرهنگی مسلط جامعه را در این سبک معماری بازجوید. اما از آنجا که تسلط ساخت‌های معنایی در هر دوره تاریخی نه به واسطه حقیقت آن بلکه به دلیل برتری مکانیزم‌های اعمال قدرت و بهنجارسازی و نظارتی آن میسر می‌شود، بازخوانی هر متنی اعم از گفتاری، نوشتاری و حتی سبک معماری در هر دوره تاریخی نه تنها کشف روابط قدرت مندرج در آن و چگونگی بر ساخته شدن سوژه‌های زنانه /مردانه را ممکن می‌سازد بلکه منازعه‌ای دائمی درون مراجع رسمی قدرت را آشکار می‌کند که ساختارهای تعیین بخش زنانه/مردانه بودن را تقویت یا تضعیف می‌نماید؛ ساختارهایی که توسط نهادهای آموزشی و رسانه‌ها در سطح جامعه انتشار می‌یابند و در پرتو تکنولوژی‌های قدرت و شیوه‌های اعمال کنترل و نظارت آنها تکرار یا فراموش می‌شود. به بیان دیگر شبکه در هم تنیده باورها، اعتقادات و ارزش‌های مرتبط با جنسیت و تفکیک وظایف، انتظارات و قواعد زیست اجتماعی و فردی هر یک از دو جنس، نظامی معرفتی را موجودیت می‌بخشد که در همه سطوح و لایه‌های حیات بشری از جمله خانه و محل سکونت وی جریان داشته و متناسب با آن، نوعی نظام مرزبندی و تقسیم‌بندی را بر ساکنان خانه اعمال نموده و قلمرو بودن آنها را در طول زمان به عنوان سوژه‌های جنسیتی تثبیت می‌کند. به هر حال پیش از شرح ویژگی‌های سبک معماری دوره قاجاریه به

عنوان متنی تاریخی و قابل بازخوانی و بستری برای خلق و بازآفرینی مداوم نظام معنایی دوگانه ساز زنانه /مردانه تاملی هر چند مختصر درباب امکانات مفهومی و تحلیلی بازنمایی ضروری می نماید .

به این منظور در ادامه پس از تامل نظری هر چند اجمالی در مفهوم جنسیت و برشمردن امکانات مفهومی و تحلیلی روش تحلیل گفتمان به معرفی ساختارهای سازنده گفتمان در دوره قاجاریه و تشریح سبک معماری سنتی خانه‌های تاریخی کاشان پرداخته تا از قِبل آن چگونگی برساخته شدن هویت جنسیتی در مبحث نتیجه گیری مورد مذاقه قرار گیرد .

فصل اول:

کلیات

کلیات

۱- بیان مسئله

مفهوم «حجاب»^۱، در چگونگی تنظیم روابط اجتماعی «خود» با «دیگری» ساخته و پرداخته می‌شود. پذیرا شدن یا عدم پذیرش دیگری به درون حریم خود، تابع شرایط و شکل روابط اجتماعی بوده و بن‌مایه‌ی مفهوم حجاب نه در معنای فطری و طبیعی آن، بلکه قائم به «دیگربودگی»^۲ است. فاصله و تمایز از دیگری^۳، حدود و حریم خود^۴ را شکل می‌دهد.

موضوع کلی حجاب اساساً مستوری و پوشیدگی نیست که تنها به مفهوم پوشش و لباس تقلیل داده شود و در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها دارای جوهر و محتوی یکسان باشد، بلکه معنای آن متأثر از ساختارها و کنشگران اجتماعی بوده و کمال مطلوب آن بر اساس زمان و شرایط تغییر می‌کند.

فرم و ساختار حجاب، شیوه‌ی بازنمایی روابط اجتماعی (خود و دیگری) در آداب و رسوم، عادات و اشکال گوناگون گروه‌های فرهنگی، قومی و ملی است. از این رو، می‌توان یکی از راه‌های تحلیل و واکاوی مفهوم حجاب را بررسی شیوه‌ی بازنمایی اقوام و ملل گوناگون در تنظیم روابط اجتماعی خود با دیگران دانست. افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جنسی، همگی در تاریخ سرزمین و فرهنگ خویش، شیوه‌های بازنمایی خاص خود را برای تنظیم حفظ حریم و برقراری مرز ارتباط خود با دیگری داشته‌اند.

حفظ حریم و برقراری مرز ارتباط خود با دیگری، سبب شکل‌گیری و تثبیت هویت فردی و جمعی می‌گردد. هویت‌ها در درون گفتمان، بازنمایی و تفاوت و تمایز خود از دیگری ساخته می‌شود. بدین ترتیب، شیوه‌ی بازنمایی حریم و حجاب که قائم به دیگربودگی است یکی از ابعاد زایش هویت می‌باشد.

شیوه‌ی بازنمایی حجاب، در ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی زنان و مردان به مثابه سوژه‌های جنسیتی، امری مهم و درخور توجه بوده و در طول تاریخ و در بسیاری از تمدن‌های باستان همواره از دارایی‌های ارزشمند به شمار می‌رفته و نشان تشخیص و هویت خاص بوده است.

1. veil
2. otherness
3. other
4. self

در رُم باستان، زنان قابل احترام و دارای شأن و مقام، حجاب داشتند، در مصر و یونان باستان، برای محافظت از حریم خانه‌های خود، اطراف باغ و خانه‌ی خود ایوان درست می‌کردند و درخت می‌کاشتند تا از تعدی دیگران در امان بمانند و در ایران باستان، زنان با حجاب از طبقات بالای اجتماع بودند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۴۵).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در تمدن‌های باستان و جوامع سنتی مشکل و مسأله‌ی خاصی نسبت به حجاب وجود نداشته است. اما با شروع مدرنیسم و تقابل تجدد و سنت و ورود زنان به عرصه‌های عمومی و موانع این حضور موجب شد که حجاب موضوع محوری مباحث اکثر روشنفکران غربی و اندیشمندان علوم اسلامی قرار بگیرد. ادیان، رشته‌های گوناگون علوم انسانی از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و حوزه‌های دیگر همچون هنر و معماری، هر کدام برداشت‌های مختلفی از مقوله‌ی حجاب دارند و معنایی که در هر زمینه از حجاب به دست داده می‌شود متفاوت است.

در هنر معماری ایران، حفظ حریم و حجاب را می‌توان یکی از مبانی و اصولی دانست که از گذشته‌های دور تا به الان به چشم خورده است که مفهوم محرمیت در معماری دارای تعبیر و مضامین خاص خود می‌باشد. مفاهیم حریم و حجاب در مکالمات و زندگی روزمره‌ی ما هم، در معنای معماری خود جاری است. به طور مثال؛ «هیچ جا خونه‌ی خود آدم نمیشه»، «ورود افراد متفرقه ممنوع»، «چاردیواری اختیاری»، «زمین یا حیاط حصارکشی شده» و «نگاه خیره و سردی که در مغازه‌های محله‌ای به غریبه‌ها دوخته می‌شود»، اینها تنها چند نمونه از اعتبار و فراگیری مفهوم حریم و حجاب در معماری در زندگی روزمره‌ی ماست (همان: ۱۲۷).

نکات مشترک قابل توجه جمله‌های ذکر شده این است که در آنها تلویحاً به حریم اشاره می‌شود. بنابراین تعریف حجاب در این مضمون، تنظیم‌کننده‌ی رفتار و آداب و روابط اجتماعی است که دیگری را از خود جدا می‌کند و نیز حریمی را تفکیک و مشخص می‌کند که وسیعتر از پوشش لباس و بدن افراد است.

حریم، محدوده‌ای است که یک شخص، خانواده و دیگر گروه‌ها بر آن نظارت دارند؛ مثل حریم خانه. این حریم که محدوده‌ی خصوصی است، هویت مالک آن معلوم و مشخص است، بنابراین ورود دیگری و افراد غریبه یک مسأله‌ی جدی شمرده می‌شود و نظارت بر ورود دیگران مهم تلقی می‌شود. بنابراین واکنش به تجاوز و ورود افراد غریبه و تلاش برای حفظ حریم خانه، امکان نظارت بر سازوکار محیطی و فرهنگی سبک معماری خانه را مهم و تعیین‌کننده می‌کند.

سبک معماری که انعکاسی از فرهنگ و هنر هر دوره‌ی تاریخی محسوب می‌شود، متناسب با فرهنگ و تاریخ اندیشه‌ی مردم هر سرزمین، سازوکار خاصی برای شیوه‌ی بازنمایی حجاب در سبک معماری خانه‌ها دارد. فرهنگ‌هایی هستند که در سبک معماری خانه‌های خود دیوار و یا حصار ندارند و مردم به راحتی به خانه‌های هم وارد می‌شوند و درون خانه‌ها نیز تقسیم‌بندی مشخص و دقیقی وجود ندارد، و در مقابل، فرهنگ‌هایی هم هستند که آداب و رسوم شدیدی برای تنظیم و تعیین مرز بین افراد دارند و باز نمود این آداب و رسوم و تعیین حد و مرز در سبک معماری خانه‌ها قابل ملاحظه است.

تاریخ به ما می‌گوید که در اغلب نقاط ایران در گذشته‌ای نه چندان دور، مسأله‌ی حریم و حجاب و حفظ محرمیت زنان یکی از اصول مهم در خلق فضای معماری بوده است. در معماری سنتی ایرانی، مسائل اعتقادی و خاص ایرانیان تأثیرگذار بوده است. اصل حریم و حجاب ریشه‌ای عمیق در مبانی و اصول اعتقادی و اجتماعی سرزمین ایران دارد و بازتاب این عقاید در سبک معماری خانه‌ها در دوران گذشته قابل مشاهده است که ارزش واقعی را به جوهره‌ی باطنی و معنوی در سبک و فرم معماری می‌دادند.

سبک معماری خانه‌ها در دوران تاریخی قاجاریه که بازنمایاننده‌ی حریم و حجاب در فضای معماری است از دو بخش «اندرونی» و «بیرونی» تشکیل می‌شد که اندرونی برای اعضای خانواده و زنان بود و بیرونی را برای مهمانان و غریبه‌ها در نظر می‌گرفتند.

در معماری این خانه‌ها هیچگاه به صورت مستقیم وارد فضای داخلی خانه نمی‌شویم. همیشه برای رسیدن به درون خانه باید سلسله مراتب فضایی که حریم و حجاب را در معماری پدید می‌آورد، به ترتیب پشت سر گذاشت. ورود به فضای درونی خانه از طریق درب ورودی امکان‌پذیر می‌شده که به دو صورت (حلقه‌ای) برای زنها و (کوبه‌ای) برای مردها در روی درب کار می‌گذاشتند.

بعد از درب، فضاهای درونی (هشتی و دالان) ورود به خانه را برای غریبه‌ها و میهمانان کنترل می‌کرد و سپس دو بخش اندرونی و بیرونی، خودی را از دیگری و خصوصی را از عمومی متمایز می‌نمود و فضای زنانه و مردانه را از هم تفکیک و مشخص می‌کرد. این فضاها حریم و حجاب را برای معماری خانه‌ها پدید می‌آورد. شیوه‌ی بازنمایی این معماری از اندیشه‌های اسلامی نشأت می‌گیرد و به منظور جدایی زنان از مردان و مستوری و پوشیدگی بنا گردیده که بخش‌های مختلف خانه با رعایت این محور ترکیب و ساخته می‌شود.

شیوهی بازنمایی حجاب در سبک معماری خانه‌های تاریخی در شهر کاشان، دارای دو جنبه‌ی مادی و معنایی است که جنبه‌ی مادی و کالبدی، امنیت و فرم فضا و جنبه‌ی معنایی، حرمت و ارزش را برای فضا تامین می‌کند و از همین رهگذر پیوندی وثیق با شبکه‌های معنایی تعیین کننده‌ی قلمرو فعالیت و حضور زنان و مردان در خانه پیدا می‌کند.

مدلول معنایی زنانه/مردانه از طریق گفتمان‌های اجتماعی در فضای خانه‌های سنتی سامان می‌یابد. حجاب یا شیوهی بازنمایی روابط اجتماعی خود و دیگری در جهان کوچک این خانه‌ها به صورت روابط دوتایی مردانه/زنانه نشان داده می‌شود که در این فضا، دیگربودگی زن در برابر مدلول مردانه تولید و بازتولید می‌گردد. زن به مثابه یک دیگری جنسی در برابر مرد شناخته می‌شود که زندگی در چاردیواری اندرونی بوده و خانه‌داری یک فعالیت مهم برای شکل‌گیری ویژگی مثبت برای آنهاست و مقاومت در برابر آن به حاشیه رانده می‌شود. از این رو، مفاهیم پرده‌نشینی و حریم و حجاب در حاشیه‌ی فضای کالبدی خانه‌ی سنتی صورت می‌پذیرد. این نوع سبک معماری و پیامد آن یعنی شیوهی بازنمایی حجاب به هویت زنانی که موقعیت اجتماعی آنها صرفاً به عنوان زن پرده‌نشین و یا مادر بازشناخته می‌شود کمک می‌کند. این مفاهیم و نابرابری جنسیتی که مدلول معنایی بی‌ثباتی بدن زن و آفرینش طبیعی او به حساب می‌آمد و ریشه‌های معنایی خود را در حوزه‌ی خانگی و فضای کالبدی خانه جستجو می‌کرد، در پی ورود مفاهیم مدرن و دگرگونی و تغییر ساختار اجتماعی جنسیت به مفهومی لیبرال از زن در فضای مدرن خانه‌ها و سبک معماری جدید بازتولید و بازتعریف شد.

درک تعامل معنایی و کالبدی در سبک معماری در بستری از معانی اجتماعی- فرهنگی در کانون توجه پژوهش حاضر به شناخت چگونگی تاثیرگذاری آن بر کالبد و محتوی معماری و چگونگی بازنمایی گفتمان حجاب در سبک معماری معطوف می‌شود. سبک معماری خانه در دوره تاریخی قاجاریه، به عنوان یک متن تاریخی- فرهنگی بازنمایاننده‌ی «گفتمان حجاب» رمزگذاری شده و در بستر معانی اجتماعی- فرهنگی در نسبت با ساختار اجتماعی جنسیت و جایگاه آن در گفتمان حاکم، برساخته می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد شالوده‌ی این تحقیق بر اساس این پرسش بنا شده است که گفتمان حجاب در سبک معماری خانه‌های تاریخی شهر کاشان چگونه بازنمایی می‌شود؟

پاسخ به این سوال خود مستلزم پرداختن به چند سوال فرعی است که پاسخ به آنها می‌تواند بازنمایی گفتمان حجاب را در سبک معماری در این پژوهش توضیح دهد. این سوالات عبارتند از :

- ساختارهای سازنده‌ی گفتمان حجاب چگونه بر ساخته می‌شوند؟
- سبک معماری خانه‌های تاریخی مبتنی بر چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟
- ساختارهای سازنده‌ی گفتمان حجاب در خانه‌های تاریخی دوره‌ی قاجاریه چگونه بر ساخته می‌شوند؟

۲- هدف تحقیق

شیوه‌ی بازنمایی گفتمان حاکم در هر دوره‌ی تاریخی را می‌توان در سبک معماری خانه‌ها ملاحظه نمود. نقطه نظر اصول معماری در خانه‌های تاریخی دوره‌ی قاجاریه کاشان با توجه به تکفیک اندرونی و بیرونی بر مبنای دیگربودگی جنسیت زنانه و مستوری و حفظ حجاب محل سکونت است. در این دوران، گفتمان حاکم بر سبک معماری خانه‌ها «گفتمان حجاب» بر اساس اصل محرمیت و دین محوری و اعتقادات اسلامی بوده است.

در این پژوهش تلاش بر آن است تا نشان داده شود در سبک معماری خانه‌های تاریخی کاشان چه سوژه‌ها و ابژه‌هایی نشان داده شده و چه مواردی به غیاب رانده می‌شوند و زنانگی چگونه مجال حضور و ظهور می‌یابد.

هدف کلی در این تحقیق پاسخ به این پرسش است که گفتمان حجاب را به عنوان یک نظام بازنمایی، در جهان اجتماعی خانه‌های تاریخی دوره‌ی قاجار در شهر کاشان با استناد به متون تاریخی آن دوره و سبک معماری را هم مبتنی بر مشاهده و تصویر شناسایی کنیم. تلاش برای ارائه‌ی یک رویکرد تازه که به مطالعه‌ی سبک معماری با توجه به حاکمیت گفتمان حجاب و بازنمایی آن در معماری خانه‌های تاریخی کاشان در دوران قاجاریه بپردازد و هم روابط و تعامل بین جنسیت و فضای معماری را در پرتو گفتمان معماری تعیین و بررسی نماید از اهداف اصلی و فرعی در این پژوهش می‌باشد.

اهداف مورد تحقیق:

- تعیین ساختارهای سازنده‌ی گفتمان حجاب در دوره‌ی قاجاریه.
- تعیین تعامل و روابط بین جنسیت و سبک معماری.
- تعیین چگونگی بر ساخته شدن سبک معماری خانه‌های سنتی در پرتو گفتمان حجاب در دوره‌ی تاریخی قاجار .

۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

سبک معماری به مثابه‌ی یک متن اجتماعی و فرهنگی با توجه به رابطه و چرخه‌ی معنادار بین رمزگذار و رمزگشا در قالب گفتمانی که مخاطب از متن تولید شده بدست می‌آورد قابل بررسی و توضیح است. اگر نتوان به متن اجتماعی و فرهنگی سبک معماری خانه دست پیدا کرد معماری بناهای تاریخی چیزی بیشتر از مُشتی خِشت و خاک نخواهد بود.

در دوره‌ی قاجار، معماری ایرانی از یک نوع پیوستگی و انسجام ریشه‌ای برخوردار بود که از تداوم فرهنگی در همه عرصه‌های زندگی ایرانیان ناشی می‌شد. با نگاهی به معماری سنتی، می‌توان یکی از باشکوه‌ترین مشخصه‌های معماری سنتی ایران را در طراحی خانه‌ها مشاهده کرد و آن پایبندی معمار به اصول و اعتقاداتش می‌باشد. یکی از این اصول، رعایت حریم و حجاب است که در ساختار فضایی خانه‌های سنتی جلوه‌گر شده است.

پایبندی به اصول اخلاقی در ساختار فضایی خانه‌های امروزی کمرنگ‌تر از گذشته شده و با معیارهای درونی انسان چندان همخوانی ندارد. از این رو، بررسی حریم و حجاب و جلوه‌ی آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران، امری ضروری تلقی می‌شود تا بتوان شاید راهکاری برای معماری امروز که همه چیز و همه کس را در معرض دید و نگاه قرار می‌دهد پیشنهاد داد. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، تحلیل و بررسی جلوه‌ی حریم و حجاب در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران می‌باشد. در پاسخ به این سؤال که در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران به ویژه در شهر کویری کاشان، توجه به حریم و حجاب به چه صورتی جلوه یافته است؟

۴- تعریف مفاهیم

۴-۱- حجاب

«حجاب» در لغت، به معنای پرده و حائلی است که میان دو شیء قرار می‌گیرد و مانع دیده شدن شیء مقابل می‌گردد و نیز به معنای دربانی است که حائل میان افراد داخل و خارج یک عمارت باشد (ضرغامی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

حجاب در عرف عام، به معنای جدایی، پوششی است که زن را از دنیای مرد جدا می‌کند، ولی تحت شرایط خاصی از این کلمه برای زندگی عادی و روزمره می‌توان استفاده نمود. در مفهوم دیگر حجاب، حدفاصل بین باوفا و بی‌وفا، بین برگزیده و لعن شده و نیز به معنی جوهر مادی در معراج عرفانی به کار می‌رود (استادملک، ۱۳۶۷: ۱۳).

تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز

حجاب در معنی دیگر، فرایند نظارت بر مرز خود/دیگری است. فرد یا گروه بر اساس تجربیات گذشته و سنجش موقعیت و خلق و خوی شخصی، مجموعه‌ای از سازوکارها را به کار می‌گیرد تا مرز میان خود و دیگری را تنظیم کند و به میزان مطلوب حجاب دست یابد. افراد معمولاً برای رسیدن به سطح مطلوب حریم و حجاب از سازوکارهای رفتاری گوناگون مثل رفتار کلامی، رفتار غیرکلامی، رفتار محیطی، مثل تعیین فضای شخصی و قلمرو، و هنجارها و کنش‌های فرهنگی بهره می‌گیرند. این سازوکارها بر حسب زمان و مکان و موقعیت ممکن است تغییر کند تا به سطح مطلوب نظارت بر مرز میان خود و دیگری حاصل شود (آلتمن، ۱۳۸۲: ۳۷).

اهمیت فردی و اجتماعی حجاب؛ شیوه‌ی بازنمایی حجاب، تابع شکلی از روابط اجتماعی است. تنظیم رابطه‌ی اجتماعی خود با دیگری و حفظ حریم و حجاب به فرد کمک می‌کند خود را بشناسد و فردیت یابد. انسان می‌تواند با نظارت بر روابط اجتماعی، حریم خود را از دیگری جدا کرده و سبب شکل‌گیری و تثبیت هویت فردی و جمعی گردد. کارکرد حجاب در نهایت در خدمت هویت‌سازی است.

پوشش بدن تنها یکی از شیوه‌های بازنمایی حجاب و تنظیم حریم و رابطه‌ی فرد با دیگران است. پوشاک و سبک پوشش، مقام و موقعیت فرد را در جامعه نشان می‌دهد. مثلاً زنان مناطقی که با روبنده یا بُرَقع صورت خود را می‌پوشانند، این روبنده بر اساس موقعیت اجتماعی، مقام و فاصله‌ی آنها را از دیگران نشان می‌دهد.

۴-۲- خانہ

معادل واژه «خانه» در فارسی باستان آهنه (ahana) به معنای جا و محل و مشتق از ریشه هان (han) است که در پهلوی به معنای ضمیر اشاره دور، معادل «آن» در فارسی نو است، اما در ترکیب با مان به شکل هان‌مان (haniman) اصطلاحاً معنای خانه دارد. این واژه با واژه سْتانَ (stana-) در فارسی باستان و اوستایی کاملاً هم معناست. سْتانَ مشتق از واژه هندوایرانی سْتْهانَ (sthana-) به معنای جایگاه ثابت و مشخص است، که در اوستایی و فارسی باستان به صورت sta-، به معنای قرارگرفتن و ایستادن، باقی مانده است. سْتْهانَ در سنسکریت به همان صورت هندوایرانی خود باقی مانده و به معنای اقامت و ماندن همیشگی در جایی و نیز به معنای خانه و اتاق به کار رفته است.

در پهلوی، واژه‌های خان (xan) و خانک/ خانگ (xanag/xanak) و خانکیک (xanakik) به معنای خانه و سرا بوده‌اند. در اکثر فرهنگهای پهلوی، دو مدخل مجزا برای واژه خان وجود دارد: یکی به معنای خانه، سرا و کاروان‌سرا و دیگری به معنای چشمه، سرچشمه، چاه و جوی آب. هر دو مدخل را مشتق از ریشه هندوایرانی کهن (khan-، به معنای حفر کردن، کندن) دانسته است (هاجری، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۵۸).

در فارسی معاصر، واژه «خانه» علاوه بر صورت واژه‌ای مستقل دارای معانی متعددی است، همانند یک پسوندواره اسم مکان‌ساز، ترکیبات بسیاری را نظیر کتاب‌خانه، قهوه‌خانه، کارخانه به وجود می‌آورد. پسوند مکان کم‌کاربرد «خن» مخفف پسوندواره خانه، و در واژه‌هایی نظیر گلخن، بادخن و فلاخن به کار رفته است (همان: ۱۳۸).

در فارسی، در گذشته، خانه به اتاق (بخشی از خانه) گفته می‌شد (دهخدا، ذیل واژه). برعکس، اتاق که واژه‌ای ترکی است گاه به معنای خانه نیز به کار می‌رفت. «خانه» در بسیاری از نام‌واژه‌های مکانی مرکب نظیر کتاب‌خانه، قهوه‌خانه و آبدارخانه به کار رفته است. در ترکیبهای اضافی به معنای نهاد هم هست، مانند خانه فرهنگ و خانه بهداشت. همچنین ترکیبهایی مانند طرب‌خانه، شربت‌خانه، عدالت‌خانه، ضراب‌خانه و مریض‌خانه در گذشته متداول بوده‌اند. کاربرد واژه خانه در ساخت مصدرهای مرکب از جمله، خانه تکانی کردن و خانه پرداختن نیز در زبان پارسی رایج است (همان: ذیل همین واژه‌ها).

در فارسی امروز، لغاتی همچون جا، جای‌باش، جایگاه، کاز/ کاژی/ کاشه، کاشانه مترادف خانه به کار می‌روند. از دیگر معادل‌های خانه که عربی‌اند، مأوا و مسکن و گاهی مقام است. منزل و مکان هم این کاربرد را دارند (همان: ذیل همین واژه‌ها).

در خانه‌های امروزی، خانه آمیزه‌ای است از چند اندام از خانه‌های کهن و چند اندام تازه بر پایه گونه زیست و شهرنشینی فشرده معاصر. این اندامها عبارت‌اند از: درآیگاه یا ورودی، رختکن، راهرو (کریدور)، سرسرا (هال)، سرویسها شامل گرمابه و دستشویی و آبریزگاه (توالت)، اتاقهای ناهارخوری، کار و مطالعه، نشیمن، تالار (سالن)، ایوانچه (بالکن)، مهتابی (تراس)، میانسرا (حیاط)، پادیاو (نورگیر، حیاط خلوت، پاسیو)، انباری و آتشیخانه (شوفازخانه)، ماندگاه (پارکینگ).

پژوهشگران فرهنگ‌گرا در حوزه معماری، همانند رپاپورت، گرایشهای معناگرایانه به معماری و مفهوم سکونت و خانه را استحکام بخشیدند. به گفته رپاپورت روشهای ساختمان، ساخت‌مایه‌ها و عوامل اقلیمی، عوامل اولیه نیستند و شکل خانه متأثر از درک انسانها از جهان،

حیات، فرهنگ، باورهای مذهبی و شیوه ارتباطهای اجتماعی آنان است (معماریان، ۱۳۷۱: ۳۸۴-۳۷۵).

از منظر عرفان اسلامی نیز، خانه عبارت است از فضایی کیفی که جسم انسان را در خود جای می‌دهد، یعنی ظرفی که درون آن گوهری به نام انسان جای می‌گیرد. از طرفی، این فضا با عالم کیهانی پیوند می‌خورد و دو عالم کبیر و صغیر در آنجا به یکدیگر متصل می‌شوند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۵).

خانه ظرف زندگی است، فضایی است که در آن، زندگی روزمره اتفاق می‌افتد. افراد یک خانواده در ظرف زندگی، با هم بودن را تجربه می‌کنند، بودن که هر روزه فرد را به خانه می‌برد و از بیگانگی دور می‌کند.

مفهوم زندگی روزمره، همراه است با برنامه‌های یکنواخت عادی و بدیهی انگاشته شده و مبتنی بر عقل سلیم که تار و پود زندگی‌های روزانه‌ی ما را زنده نگه می‌دارند و حفظ می‌کنند. زندگی روزمره، زیست-جهانی است که قهرمان در آن جایی ندارد. زندگی روزمره سیطره‌ی زنان، تولیدمثل و مراقبت و محافظت (زنان، کودکان، مَسن‌ها) است. یکی از ویژگی‌های بارز تجارب بدیهی انگاشته شده زندگی روزمره این است که «دیده می‌شوند اما مورد توجه قرار نمی‌گیرند» (ارغنون، ش ۱۹: ۶-۱۶۲).

تجربه‌ی زیسته‌ای که در زندگی روزمره به بدست می‌آید در ظرفی به نام - خانه - صورت می‌پذیرد. خانه، واسطه‌ی بین جامعه و زندگی روزمره است. فرد در فضای خانه از طریق زندگی روزمره نیازهای مادی، روانی و عاطفی خود را برطرف می‌سازد و امکان «شدن» و بستر رشد خود را در جامعه فراهم می‌کند.

به آدمی که خانه ندارد و با هم بودن و امکان شدن را در زندگی روزمره تجربه نمی‌کند بی‌خانمان^۱ می‌گویند. فرد بی‌خانمان بی‌سر و سامان شده و دچار پوچی و افکار نیهیلیستی می‌گردد. رهایی از بیگانگی و سرگشتگی و رسیدن به فهم معنای خود و دیگری در محیطی به نام خانه امکان پذیر است.

خانه‌ی ایرانی، ظرفی است که سبک زندگی ایرانی را در برمی‌گیرد. در این ظرف، از یک سو جنس خاک و محیط طبیعی و جغرافیایی، تاریخ زندگی اجتماعی و اشکال فرهنگی و آیین و منش خانوادگی و از سوی دیگر ذوق هنری و نماد و نشانه‌های بکار رفته در سبک و سیاق معماری بهم می‌پیوندند و خانه‌ی هر ایرانی را می‌سازد.

1.homeless

در خانه‌های حیاطدار بزرگ قدیمی که جایگاه خانواده‌ی سنتی و پدرسالار است، سبک زندگی و اساس شکل‌گیری بنای این خانه‌ها بر پایه‌ی حفظ حریم زنانه و پاسداشت ارزش‌های خانوادگی بود که این شیوه‌ی زیستن از طریق سبک معماری خاص خود امکان‌پذیر می‌شد. ساختار خانواده در طول تاریخ تغییرات قابل توجهی را پشت سر گذارد. وقتی شکل و ساختار خانواده تغییر کرد فرم و سبک معماری خانه هم دچار تغییر و دگرگونی شد. شهرنشینی و مدرنیته تأثیر زیادی بر شکل، کارکردها و فضای درونی خانواده‌ی سنتی گذاشت و سنت‌زدایی را در فرهنگ خانواده بوجود آورد و همزمان الگوهای تازه‌ای از شکل و فرم معماری جانشین معماری قدیم شد.

سبک معماری مدرن، خانه‌های حیاطدار بزرگ را که همسطح با زمین بود تکه‌تکه کرد. هر تکه، بُرجی بلند و مرتفع شد و تا جاییکه توانست فضا را شکافت و از زمین فاصله گرفت که از قافله‌ی مدرنیسم عقب نماند. با دیدن آپارتمانهای برافراشته بر مزار خانه‌های حیاطداری که زمانی نزدیک به زمین و خاک بودند ایستادگی و استقامت در زمین و آسمان احساس می‌شود و ذهن و خیال را از یکنواختی بیرون می‌برد اما همین آپارتمان‌ها معنا و مفهوم حریم و حجاب زنانه را در تاریخ ذهن از کار می‌اندازند.

۴-۳- گفتمان

از جمله مفاهیم مهم و پرکاربردی که در شکل دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی، و سیاسی مغرب زمین در نیمه‌ی دوم قرن بیستم نقش بسزایی بازی کرد، مفهوم «گفتمان» است. گرچه این مفهوم در ادبیات فلسفی- اجتماعی دوران کهن، قرون وسطی، و به ویژه دوران مدرن مغرب زمین کاربرد فراوان داشت، ولی معنای آن در چند دهه‌ی اخیر تغییر فاحشی کرده است. این مفهوم را می‌توان به کرات در نوشته‌های ماکیاولی، هابز، و روسو یافت، ولی معنایی که متفکرانی مانند امیل بنونیست، میشل فوکو، ژاک دریدا و دیگر متفکران برجسته‌ی معاصر مغرب زمین از آن به دست می‌دهند کاملاً متفاوت از برداشتی است که مثلاً ماکیاولی، هابز یا روسو داشته‌اند. این تفاوت معنا به حدی است که در دو سه دهه‌ی اخیر نویسندگان و سخنرانان آکادمیک مغرب زمین در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود، و به هنگام کاربرد این مفهوم، بر این نکته تأکید می‌کنند و متذکر می‌شوند که این مفهوم را مثلاً «به معنای فوکویی» آن یا «به معنای فراساختارگرایی»^۱ آن به کار می‌برند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۳).

1. post-structuralism